

خبراکران فیلم توقیف‌شده فرمان‌آرا بعد از ۵ سال

گروه هنر: غلامرضا فرجی، سخنگوی شورای صنفی نمایش، در تازه‌ترین صحبت‌های خود از مصوبات جلسه دوشنبه، هفتم خرداد، خبر داده است. او به ایستنا از قرارداد فیلم «هزاریا» به کارگردانی ابوالحسن داوودی برای اکران پس از فیلم «سهیلا شماره ۱۷» در پردیس کورش گفت و بنا بر گفته او قرارداد فیلم «دلم می‌خواد» بهمن فرمان‌آرا هم برای نمایش در سرگروه زندگی پس از «ناخواسته» به ثبت رسیده است.
خبر نمایش فیلم «دلم می‌خواد» فرمان‌آرا بعد از پنج سال از زمان ساخت، خبر خوشحال‌کننده‌ای است؛ فیلمی که در این سال‌ها در فهرست فیلم‌های توقیفی بود و حالا بعد از پشت‌سرگذاشتن جالش‌های تعیین‌تکلیف فیلم‌های توقیفی راهی به اکران پیدا کرده است. هرچند که نمایش فیلم «عصبانی نیستم» در هفته‌های گذشته طلسم نمایش فیلم‌های توقیفی را شکست، اما بسیاری منتظر اتفاقات خوبی از این دست هستند. بهمن فرمان‌آرا در این فیلم دوباره با امید سهرابی به‌عنوان نویسنده همکاری کرده است. داستان فیلم درباره بهرام فرزانه نویسنده‌ای است



که مدت‌هاست نمی‌تواند داستان بنویسد. ناگهان بر اثر یک تصادف اتومبیل، اهنگی در ذهنش تکرار می‌شود که او را به رقص می‌آورد. همین اتفاق شوق نوشتن را در او برمی‌انگیزد رضا کایانیا، مهناز افشار و محمدرضا گلزار بازیگران این فیلم هستند.

لیلا حاتمی گوینده «شهرزاد» شد

گروه هنر: لیلا حاتمی نقش «شهرزاد» در انیمیشن سینمایی «آخرین داستان»، به نویسندگی و کارگردانی اشکان رهگذر را گویندگی کرد. حاتمی با صدایشگی شخصیت شهرزاد رای قصه‌ای شد که پیش از این پرویز پرستویی، بیتا فرهی، حامد بهداد، اکبر زنجان‌پور، مجید مظفری، حسن پورشیرازی، باران کوثری، فرخ نعمتی، اشکان خلیلی، شقایق فراهانی، ملیکا شریفی‌نیا، زهیر یاری و بانینال شومون دیگر نقش‌های آن را گویندگی کردند. تولید انیمیشن سینمایی «آخرین داستان» با برداشتی آزاد از داستان «ضحاک» شاهنامه سال گذشته به پایان رسید. این انیمیشن به‌زودی در جشنواره بین‌المللی انیمه‌انسی (فرانسه) ۲۰۱۸ برای اولین‌بار به نمایش درمی‌آید.

معرفی برگزیدگان جایزه فرشته

گروه هنر: اسامی رهاپفانگان به مرحله دآوری «چهارمین دوره جایزه فرشته» از سوی هیئت انتخاب اعلام شد. جایزه این دوره با موضوع «ژئیر قرمز» در بخش داستان با معرفی نفرات برگزیده به مرحله دآوری نهایی رسید. مدیر روابطعمومی این جایزه گفت: «هیئت انتخاب بخش داستان در این دوره متشکل از امید بلاغتی، حسین پاکدل، کاوه فولادی‌نسب، حسن محمودی و شیوا مقالو فعالیت خود را از اردیبهشت ۹۷ آغاز کرد. ۳۴۸ اثر (۱۹۲ زن و ۱۵۲ مرد) به دبیرخانه رسید و بعد از بررسی ۱۸ زن و ۱۲ مرد را برگزید. هیئت داوران هم متشکل از علی خدایی، بلقیس سلیمانی و ناهید طباطبایی هستند و اسامی ۳۰ اثری که به مرحله دآوری رسیده‌اند به این شرح است: «الهام صداقتی، امین اطمینان، آرمین ریاضی، بهرام غلامی، داریام دلناوز، رکسانا ایور، زهرا عسکری، زهرا گودرزی، سارا قشقایی، سارا کنعانی، سحر رفیع، سولماز اسعدی، سهیل گلچین، عطیه خراسانی، فاطمه زاهدی، فاطمه محسنی، فروزان طاهری، گل‌لسا شهریاری، مجتبی هژبری، محدثه شریفات، محسن پایمز، محسن مرادی، محسن یاور، محمدعلی خبیر، محمود اشرف زارعی، مریم محمدی، مهدی زمانی، مینیم فرهنگیان، نجمه سجادی و نعیمه بخشی».
گفتنی است مراسم اختتامیه چهارمین دوره جایزه فرشته به دبیری پژمان موسوی با معرفی برندگان، ۳۰ خرداد ۱۳۹۷ برگزار خواهد شد.



شرکت سهامی آب منطقه ای البرز

شرکت سهامی آب منطقه ای البرز فراخوان جهت برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله ای " فرهنگ سازی و آگاهی رسانی در راستای حفاظت کیفیت منابع آب شرب شرکت سهامی آب منطقه ای البرز " از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید کلیه مراحل برگزاری فراخوان شامل دریافت و تحویل اسناد مناقصه از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد.لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی،مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.تاریخ انتشار فراخوان در سامانه تاریخ ۹۷/۳/۸می باشد.اطلاعات و اسناد مناقصه از طریق سامانه قابل دریافت می باشد.

مهلت دریافت اسناد: تا ساعت ۱۹مورخ۹۷/۳/۱۱

مهلت ارسال پاسخ: تا ساعت ۱۰صبح مورخ ۹۷/۳/۱۲

زمان بازگشایی پاکات: ساعت ۱۰صبح مورخ ۹۷/۳/۱۲
اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گذار: کرج- مهرشهر-بلوار امام خمینی(ره)-روبروی مصلی-خیابان بوستان- شرکت سهامی آب منطقه ای البرز- کد پستی ۳۱۰-۳۲۰-۳۱۰-۲۶۳۳۳۳۲۰۰

اطلاعات تماس سامانه جهت انجام مراحل عضویت در سامانه:مرکز تماس ۰۲۱،۰۲۷۳۱۳۱۳۱ دفتر ثبت نام:۰۸۹۶۹۶۹۳۷ و ۰۸۵۱۹۳۷۶۸-۰۲۱

مناقصه شماره ۱۲: ۹۷- (نوبت اول)

فراخوان جهت برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله ای

« فرهنگ سازی و آگاهی رسانی در راستای حفاظت کیفیت منابع

شرکت سهامی آب منطقه ای البرز فراخوان جهت برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله ای " فرهنگ سازی و آگاهی رسانی در راستای حفاظت کیفیت منابع آب شرب شرکت سهامی آب منطقه ای البرز " از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید کلیه مراحل برگزاری فراخوان شامل دریافت و تحویل اسناد مناقصه از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد.لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی،مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.تاریخ انتشار فراخوان در سامانه تاریخ ۹۷/۳/۸می باشد.اطلاعات و اسناد مناقصه از طریق سامانه قابل دریافت می باشد.

مهلت دریافت اسناد: تا ساعت ۱۹مورخ۹۷/۳/۱۱

مهلت ارسال پاسخ: تا ساعت ۱۰صبح مورخ ۹۷/۳/۱۲

اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گذار: کرج- مهرشهر-بلوار امام خمینی(ره)-روبروی مصلی-خیابان بوستان- شرکت سهامی آب منطقه ای البرز- کد پستی ۳۱۰-۳۲۰-۳۱۰-۲۶۳۳۳۳۲۰۰

اطلاعات تماس سامانه جهت انجام مراحل عضویت در سامانه:مرکز تماس ۰۲۱،۰۲۷۳۱۳۱۳۱ دفتر ثبت نام:۰۸۹۶۹۶۹۳۷ و ۰۸۵۱۹۳۷۶۸-۰۲۱

شرکت سهامی آب منطقه ای البرز

گفت‌وگو با دکتر محمدرضا خاکی، استاد دانشگاه، کارگردان و مترجم

خانه تئاتر نباید فقط در تهران متمرکز باشد



عکس: زینب زبیدی

هستند و هیچ‌گونه تناسب اجرایی در طراحی آنها و امکاناتی به لحاظ آتش‌سوزی در آنها نیست.

❧ اصلا شبیه به یک فضای فرهنگی هم نیستند.

برای نمونه تالاری در طبقه سومی است که پایینش تولیدی لباس و طبقه بالا جای دیگر است. من عرض کردم که این معضل خیلی بزرگ است که دستگاه فرهنگ کشور باید به آن توجه کند.

❧ یعنی الان در قبال این قضیه مرکز هنرهای نمایشی باید کنش‌مند باشد؟

به نظرم حتما.

❧ الان می‌بینیم کاملاً بی تفاوت هستند و انگار تئاتر را به حال خود رها کرده‌اند!

یکی از آن‌هم این چهره‌ها هستند. یکی هم پیداشدن چیزی جعلی به نام تهیه‌کننده است. اصلاً در تئاتر دنیا به این شکل تهیه‌کننده‌ای وجود ندارد. در تمام کشورهای دارای تئاتر، تهیه‌کننده‌ها کسانی هستند که خودشان تئاتر دارند و در واقع مدیران تئاتر هستند.

❧ اینجا بیشتر حالت دلای دارد؟

حالا من نخواستم این کلمه را به کار ببرم.

❧ خب غیر از دلای هم نیست؛ برای اینکه گروهی از بازیگران را دعوت می‌کنند که تضمین‌کننده فروش باشند و دیگر به بقیه چیزها کاری ندارند.

در چنین حالتی نمی‌توانیم توقع داشته باشیم که با تئاترهای خوب، تمرین‌شده، آماده‌شده و با فکر خوب سروکار داشته باشیم. من فقط همیشه تئاتر را در حوزه فرهنگی‌اش می‌بینم و لاغیر...؛ بنابراین ما فقط فضاهایی را پر و خالی می‌کنیم و اصلاً فرصت فکر و اندیشه را نمی‌دهیم. فقدان امکانات باعث شده نمایشی که اجرا می‌شود، نه دکور خوبی داشته باشد و نه اکسسوار خوبی، نه لباس خوبی، نه می‌تواند فضای درونی آن را خوب، نه کفرض کنیم نمایشی از سال‌های دهه ۲۰ یا ۳۰ آمریکا و دوره خاصی اجتماعی است که یک نویسنده به دلایلی این را نوشته و ما باید با آن فضا آشنا شویم. به ما شناساند. همه اینها از دست

می‌رود و این اتفاق یک اتفاق استثنایی نیست. تقریباً این روزها در اکثر اجراها چنین روالی رایج است و چیزهای زیادی اتفاق افتاده است که اینها آسیب هستند. نمی‌خواهم کسی را محکوم کنم؛ زیرا این حاصل فعل و انفعالات زیادی است که اتفاق افتاده، ولی امروز در تئاتر ما اصلاً معلوم نیست که چه کسی چه کاری انجام می‌دهد. ما کسانی را داریم که خودشان نمایش می‌نویسند و نمایش‌نامه‌نویس‌اند و همچنین بازیگر هستند، کارگردان هستند، طرح صحنه‌اند و صاحب تئاتر هم هستند و همچنین دراماتورژ هم هستند. خب نمی‌شود این همه کار را با هم انجام داد. بالاخره آن دوست با هنرمند ... باید بداند که باید در تئاتر جا و تشخص خودش را در یک حوزه کاری معین روشن کند. بالاخره هم تماشاگر روی اثر متمرکز باشد و هم او روی تماشاگر متمرکز باشد، ولی متأسفانه این‌گونه نیست. چرا نیست؛ چون اصلاً ما گفتگوی خیلی درون تئاترمان نداریم؛ چون ما به آنکه شبی ده‌ها و صدها صدها اجرا داشته باشیم؛ ولی در هفته که هیچ، گاهی در ماه نیز یک نشست یا گفت‌وگو راجع به مسائل تئاتر نداریم. این نشست‌ها بودنش امری واقع‌بینانه است و نه اینکه فکر کنیم امری بلندپروازانه است. من همیشه چون سبقه دانشگاهی دارم می‌توانم از جاهایی که مطالعه کرده‌ام مثال بزنم. ما اصلاً نمی‌توانیم مثل آلمان و سوئیس یا هلند یا ایتالیا و انگلیس بشویم، نه هیچ وقت... اما ما باید تجربه جهانی را بیاموزیم. بعضی از دوستان این نکته را فراموش کرده‌اند که تئاتر تجربه‌ای یک‌روزه نیست. تئاتر تجربه ده‌ها سال است که می‌تواند تازه به نتیجه برسد. وقتی به این‌گونه نگاه می‌کنیم به همین دلیل دانشجویی که ترم اول را گذرانده، فکر می‌کند فردا می‌تواند یک نمایش از شکسپیر یا برشت را اجرا کند و چنین چیزی هم اتفاق می‌افتد. متأسفانه امروز چنین معنایی زیاد در ذهن جوانان ما نیست؛ شاید هم برگردد به همان نکته‌هایی که ابتدا می‌گفتم و اینها ریشه در ضعف‌های آموزش ما در تئاتر دارد.

❧ با توجه به اینکه ۲۰ سال است مجموعه‌ای به نام خانه تئاتر شکل گرفته که البته هدف عمده‌اش این بوده که صنف شود اما به شکل رسمی صنف نشده یا برخورد رسمی صنف را نداشته و با توجه به اینکه مرکز هنرهای نمایشی که در حال حاضر بیشتر آن وجه نظارتی را برعهده دارد، آیا می‌تواند با برنامه‌ها و پیگیری‌هایی در این فضایی که فعلاً مه‌آلود و همه

چیزش مبهم است، مؤثر باشد. فعلاً نه آن تئاتر دولتی حمایت‌کننده به معنای حقیقی‌اش وجود دارد که لازم هست در جاهایی باشد و نه آن تئاتر خصوصی که حالا باید بسترهایش فراهم شود؛ این قضیه شدنی است یا...

البته یک مقدار مشکل است ولی من فکر می‌کنم که هست؛ به‌خاطر اینکه تجربیاتی مشابه در آن سوی دنیا اتفاق افتاده است.

❧ الان در ایران خانه تئاتر مسئولیتش را انجام می‌دهد؟

به‌نظر من خانه تئاتر در این سال‌ها تلاش‌هایی کرده و خب باید برایش ارزش گذاشت و کم‌کاری هم نبوده است. تئاتر ما در فراز و فرود و نوع رابطه‌اش با دستگاه رسمی همیشه روبه‌رو بوده است؛ یعنی اینکه ما از یک سو تئاتر با صیغه دولتی و نظارتی و حمایت‌شده داشته‌ایم؛ چه پیش و چه بعد از انقلاب که بعد از انقلاب تغییراتی ایجاد شده است. از طرفی خانه تئاتر حاصل یک ضرورت سیاسی و اجتماعی است. یک دوره‌ای بنا بر ضرورت خانه تئاتر به وجود آمد که باید تلاش می‌کرد بتواند جامعه تئاتری را به سوی خودش جلب کند. فکر می‌کنم متأسفانه این کار به صورت کامل انجام نشده و نیازمند تحولات و تغییراتی است.

❧ با توجه اینکه شما از اعضای هیئت مؤسس خانه تئاتر بودید و اساسنامه را هم نوشته‌اید، آیا این روزها برایتان قابل پیش‌بینی بوده است؟

ما فکر نمی‌کردیم روزی یک دانشگاه تعداد ورودی خودش را از ۶۰، ۵۰ نفر می‌رساند به ۹۰۰ نفر. وقتی این اتفاق افتاد، من به مدیر گروه تئاتر دانشگاه آزاد زنگ زدم که چرا این همه تعداد دانشجویان را بالا برده‌اند؛ مگر استاد و امکاناتی برای آموزش آنها دارند که گفت اشتباه شده و یک صفر به آن اضافه شده است.

❧ الان با توجه به این شرایط که ناسامان است و از آن سو هم می‌بینیم این اشتیاق وجود دارد که تئاتر بیشتر کار کند، خانه تئاتر می‌تواند اساسنامه‌اش را با آن فرایند کاری‌اش را به‌گونه‌ای تغییر دهد و تنظیم کند که بتواند روی این شرایط تأثیر مطلوب بگذارد؟

نه تنها می‌تواند بلکه باید بتواند چون با یک ضرورت جدی روبه‌رو هستیم. این ضرورت فقط برای خانه تئاتر نیست بلکه برای مرکز هنرهای نمایشی و متولیان فرهنگ کشور هم هست؛ یعنی اگر قرار باشد جمعیت تئاتری نتواند در جایی، حالا می‌گوییم خانه تئاتر، گرد هم بیاید، هیچ جایی برای گفت‌وگو وجود ندارد. اینکه خانه تئاتر در این سال‌ها به اندازه کافی تلاش نکرده که فضای گفت‌وگو را ایجاد کند، می‌شود به آن انتقاد کرد. من به دلایلی در خانه تئاتر نماندم. امروز چیزی که وجود دارد این است که اگر خانه تئاتر خودش را از چارچوب وضعیت موجود بیرون نیاورد و درهای خودش را به روی این همه نیروی جوانی که آمده‌اند کار کنند، باز نکند و نماینده واقعی تئاتر ایران نباشد، عملکردش را درست انجام نداده است.

❧ بیشتر توضیح دهید که چه منظوری دارید؟

خانه تئاتر نباید فقط در تهران متمرکز باشد؛ امروزه بسیاری از دانشجویان که خیلی‌هایشان از دانشجویان خودم و فارغ‌التحصیل هستند، در اقصا نقاط ایران و به شهرستان‌ها مشغول کار هستند. ما باید مدل دیگری را برای خانه تئاتر جست‌وجو کنیم.

❧ معتقدم خانه تئاتر، جامعه تئاتری، مرکز هنرهای نمایشی و بالاتر از آن وزارت ارشاد باید با یک جمع‌بندی جدید در جریان این شرایط جدید قرار بگیرند. اگر واقعاً قصدمان سامان‌دادن است، باید آن شرایط جدید را بستیم و برای آن چاره‌اندیشی کنیم.نظرتان چیست؟

ما تا زمانی که فکر نکنیم ضمن اینکه یک کار هنری می‌کنیم، هم داریم کار می‌کنیم و کارگرهایی هستیم، اگر این را متوجه بشویم خیلی از وضعیت ما تغییر می‌کند. یادم هست در خانه هنرمندان که تازه راه افتاده بود، آقای غریب‌پور هم مدیرعامل آنجا شده بود. آقای غریب‌پور هم یکی از کسانی بود در این شورای اولیه برای تدوین اساسنامه... ما گفتیم خب یکی برود وزارت کار که خودم گفتقم حاضرم و داوطلبم و چون نمی‌دانستیم حکم از چه کسی باید بگیریم، من به آقای غریب‌پور خواشش کردم و هنوز هم از نامه را دارم که ایشان به‌عنوان مدیرعامل خانه تئاتر من را به وزارت کار معرفی کرد. آنجا یک اساسنامه اولیه که برای تمام مؤسسات کاری بود، به من دادند و گفتند خودتان شغل خودتان را تعریف کنید!

❧ امروز خانه تئاتر به لحاظ قانونی یک مؤسسه فرهنگی- هنری است و ساختارش این است. اینکه چرا غیر از این نشده و چرا تغییری نکرده، من صحبتی نمی‌کنم اما معتقدم باید به مدلی مثل فدراسیون به تئاتر فکر کرد؟

فقدان دیالوگ واقعی بین دستگاه رسمی کشور (مرکز هنرهای نمایشی) و جامعه تئاتری مانع از آن می‌شود. این را باید جامعه تئاتری در یک گفت‌وگوی واقعی با دستگاه رسمی ایجاد کند. امکانش هست اما برای سازماندهی به تئاتر باید به مسائل تئاتر و مسائل حقوقی‌اش فکر کنیم. به همین دلیل اگر تئاتر کشور خودش را مستقل از این ببیند و مرکز هنرهای نمایشی گاهی خود را جدا ببیند، هیچ‌وقت به نتیجه نمی‌رسیم.

❧ درحالی‌که اینها باید یکی باشند یا آن‌قدر نزدیک به هم که تعریف‌های کاری هردو باید یکی باشد.

هر دو باید به اصلاح تئاتر کشور، ساماندهی به وضعیت تئاتر و وضعیت حقوقی هنرمند در تئاتر بپردازند. ما وقتی می‌گوییم وضعیت حقوقی از نظر من کار به معنای شغل و امنیت شغلی است.

ادامه در صفحه ۱۳

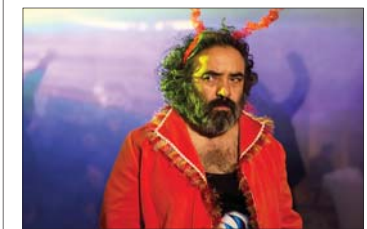
نگاه

نگاهی به فیلم «خوک»

مسخ!

سعید احمدی‌پویا

● خبر تکان‌دهنده بود. ابراهیم حاتمی‌کیا، رخشان بنی‌اعتماد، حمید نعمت‌الله و مانی حقیقی به دست قاتل زنجیره‌ای به قتل رسیدند! «خوک»، روایت قاتلی زنجیره‌ای است که سر کارگردان‌های مشهور سینما را می‌برد و واژه «خوک» را بر پیشانی آنها حک می‌کند. فیلم، با تصویر سرک‌کشیدن چند دختر نوجوان به اکانت‌های خودشان در شبکه اجتماعی اینستاگرام آغاز می‌شود. آنها درباره خبرها و تحلیل‌هایی که در پست‌های اینستاگرام راجع به یک قاتل زنجیره‌ای بیان شده، با هم بحث می‌کنند. سر راهشان انبوه جمعیت را می‌بینند که در جوی خیابان، سر بریده‌ای را نگاه می‌کنند. این سکاس ابتدایی فیلم «خوک» است که سعی دارد چکیده روایت را در همین سکانس به مخاطب خود اعلام کند. پس از بحث‌های دختران راجع به پست‌های اینستاگرامی خبر، مضمون خود خبر اصلی یا همان سر بریده را نشان می‌دهد و با شیوه‌ای داستانی و جذاب، این دو کانسیپت را در توالی یکدیگر می‌آورد و به مخاطب اعلام می‌کند که روایت فیلم، تشریح ربط این دو کانسیپت با یکدیگر است. شخصیت اول روایت، حسن کسمایی، کارگردان مشهوری است که اجازه کار ندارد و تمامی مقتولان، همکاران و دوستان نزدیک او بوده‌اند. حسن اجازه ساخت فیلم ندارد و به‌دعوی زندگی هنری‌اش به نقطه پایان رسیده است. به عبارت دیگر، امکان ادامه حیات هنری حسن از او سلب شده است. از سوی دیگر، جامعه از طریق رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، شخصیت او را در فضای مجازی ترور می‌کند. یک دختر جوان برای کسب شهرت، با یک فیلم، آتش در شبکه‌های اجتماعی به می‌کند که این آتش جز با به‌خطرانداختن جان حسن و رفتن تا پای مرگ، خاموش نمی‌شود. مردمانی که روزی در شبکه‌های اجتماعی در مدح و ثنای حسن می‌نوشتند، یکباره او را قاتلی بی‌رحم خطاب کردند؛ در مقابل با دیدن تصویر حسن در بند قاتل، اتهامات را قرائم‌شان کردند و او را به جایگاه رفیع بازو کردند. این نوسان رفتار مردم در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها و قضاوت‌های زود‌هنگام و بی‌منطق و دلیل، از تنها زامبی‌هایی ساخته است که به‌راحتی شخصیت افراد را در فضای مجازی له می‌کنند و فرد زیر اتهامات و توهین‌های آنها نابود می‌شود. تنها سکاسی که در آن تصویر قاتل نشان داده می‌شود، سکانس روایتی حسن با قاتل است. قاتل ماسک خوک بر سر دارد و چهره‌اش در فیلم نشان داده نمی‌شود. به‌عبارت دیگر، از نگاه روایت، دولت و جامعه همان قاتل معروف هستند که با اقداماتشان کارگردانان و اصحاب فرهنگ را به قتل رساندند. قاتل در هنگام قتل شغری با این مضمون می‌خواند که می‌خواهد عشق را از نجاست پاک کند.



داعیه آن را دارند و به دنبال پاکي و رهایی از نجاست هستند.آن‌قدر درگیر این مسئله هستند که خودشان مسخ و به خوک بدل می‌شوند. در سکانس میهمانی بالماسکه، حسن و دوستش، لباس سوسک‌های آیتم تبلیغاتی را پوشیده‌اند و به‌نوعی نمایان انگار مانند داستان مسخ کافکا به حشره‌ای تبدیل شده‌اند و روایت مسخ به تصویر کشیده می‌شود. روایت به‌تصویرکشیدن موارد فوق سعی دارد که نشان دهد حسن هم در بستر دورویی جامعه، مسخ شده و خودش هم به خوک بدل شده است. به عبارت دیگر، فیلم «خوک» روایت مسخ تمامی ارکان یک جامعه؛ از دولت و مردم عادی گرفته تا قشر فرهیخته و پیشرو آن جامعه و بدل‌شدنشان به مظهر نجاست و پلیدی در آن جامعه است؛ چیزی که تمام تلاش همه آنها بر این بوده که از آن مبرا و پاک باشند و معکوس آن اتفاق افتاده است؛ تمام جامعه در نجاست غوطه می‌خورند و به خود پلیدی تبدیل شده‌اند. نکته مهم فیلم، تمایز روایت مسخ اجتماعی از برداشت‌های سطحی و نگاه صرفاً سیاسی است؛ برای همین است که کارگردان، فهرست متنوعی از هنرمندان مقتول را انتخاب کرده است که شباهت هریکونه نگاه سیاسی را بزدايد و تمامی نگاه‌ها به بحران اجتماعی رخ‌داده معطوف شود.

بیان این روایت تلخ با نگاهی طنزآلود تلطیف شده است. حسن که کارگردانی مشهور و متکبر است و حتی حرف تهیه‌کننده آیتم تبلیغاتی را نمی‌پذیرد، در برابر مادرش شخصیت سرپچه‌ایه بازیگر و لوس را پیدا می‌کند. هنگامی که پلیس در جریان یافتن قاتل، به حسن مظنون می‌شود و او را دستگیر می‌کند، همان لحظه زنبور زیر چشمش را نبش می‌زند یا در خواب می‌بیند که پلیس او را در بیابان رها کرده است، هر دو این سکانس‌ها کنایه طنزآلودی به نحوه برخورد با حسن دارند.

فیلم «خوک»، کمدی سیاهی است که سعی دارد روند فروپاشی اخلاقی در جامعه را به تصویر بکشد و تلنگری باشد به جامعه‌ای که با سرتی سرسام‌آور در شبکه‌های اجتماعی، اخلاق را به مسلخ شهرت می‌برد، به امید کسب لایک‌های بیشتر!